

#### مردم، قدرت ایران

ادامه از صفحه اول

پیام رهبر انقلاب اسلامی به مناسبت دومین سالروز شهادت آقای رئیسی که «تعریف نقش جدی برای مردم» را در شمار وظایف مسؤولان قرار می‌دهد، از این حیث بسیار معنادار است. مسؤول افزون بر خدمت‌رسانی، باید امکان کنشگری جامعه را نیز فراهم کند. به این معنا، الگوی مطلوب را شاید بتوان «دولت جامعه‌پایه» نامید؛ دولتی که مردم در آن صرفاً مشتری خدمات عمومی نیستند، بلکه شریک تولید امنیت، پیشرفت، فرهنگ و اقتصادند. مردم‌پایگی قدرت با کوچک کردن دولت یکی نیست، سخن از تغییر نسبت دولت و جامعه است، به گونه‌ای که سازمان‌دهی حکومت به جانشینی دولت به جای جامعه نینجامد.

در این چارچوب، نسبت رهبری و مردم نیز معنای متفاوتی پیدا می‌کند. اگر جامعه حامل نیروی سیاسی است، کارویژه رهبری صرفاً صدور فرمان از رأس هرم نیست، مهم‌تر از آن، تشخیص، فعال‌سازی و جهت‌دهی انرژی اجتماعی است. از این حیث، مدل قدرت بیش از آنکه کاملاً هرمی باشد، شبکه‌ای با مرکز جهت‌دهنده و راهبر است. بر اساس این خوانش، رهبری جهت کلان می‌دهند و راهبردی می‌کنند، دولت ظرفیت‌ها را سازمان می‌دهد، نهاده‌ها وظایف تخصصی خود را انجام می‌دهند و جامعه انرژی لازم برای حرکت کل ساختار را تأمین می‌کند. بنابراین مردم در پایین هرم قدرت نیستند، زمینی هستند که هرم بر آن ایستاده است.

ایسن مردم‌پایگی اما فقط ناظر به تکلیف مردم نیست. یکی از وجوه مهم پیام‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای آن است که رابطه قدرت را دوطرفه می‌کند. در پیام به مناسبت هفته قوه قضائیه، حقوق مردم، حقوق عامه، آزادی‌های مشروع و ضرورت مشاهده اثر تحول قضایی در زندگی روزمره برجسته می‌شود. نتیجه نظری این سخن آن است که کیفیت عملکرد نظام نیز باید دائم مشروعیت را بازتولید کند. در اینجا می‌توان از ۲ سطح مشروعیت سخن گفت؛ مشروعیت ورودی، یعنی حضور و همراهی مردم و مشروعیت خروجی، یعنی عدالت، کارآمدی و تجربه ملموس بهبود زندگی آنان. اگر یکی از این دو مختل شود، چرخه مردم‌پایگی قدرت نیز ناقص می‌ماند.

در عین حال، مهم‌ترین تنش نظری این الگو در مفهوم انسجام اجتماعی ظاهر می‌شود. رهبر انقلاب اسلامی در پیام هفته دولت، آسیب زدن به انسجام اجتماعی را ممنوع می‌داند و در پیام هفته وحدت، تبدیل تفاوت‌های مذهبی، قومی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به شکاف را از ابزارهای تضعیف جامعه معرفی می‌کنند. بنابراین انسجام در این دستگاه، «زیروساخت قدرت ملی» است. اگر قدرت از توان جامعه برای کنش مشترک حاصل می‌شود، شکاف اجتماعی به معنای کاهش مستقیم قدرت کشور خواهد بود.

دقیقا در همین نقطه پرسشی جدی پدید می‌آید: جامعه پویا، اساساً متکثر است؛ سیاست نیز بدون اختلاف، رقابت، نقد و امکان اعتراض، معنای خود را از دست می‌دهد، بنابراین مرز میان تکثر مشروع و تفرقه مخل قدرت کجاست؟ پیام‌های مورد بررسی اصل انتقاد یا تفاوت را نفی نمی‌کنند اما انسجام را حد نهایی آن قرار می‌دهند. پایداری این الگو نیز به حل همین مساله وابسته است. چگونه می‌توان تکثر را حفظ کرد بی‌آنکه ظرفیت جامعه برای کنش مشترک فرسوده شود؟

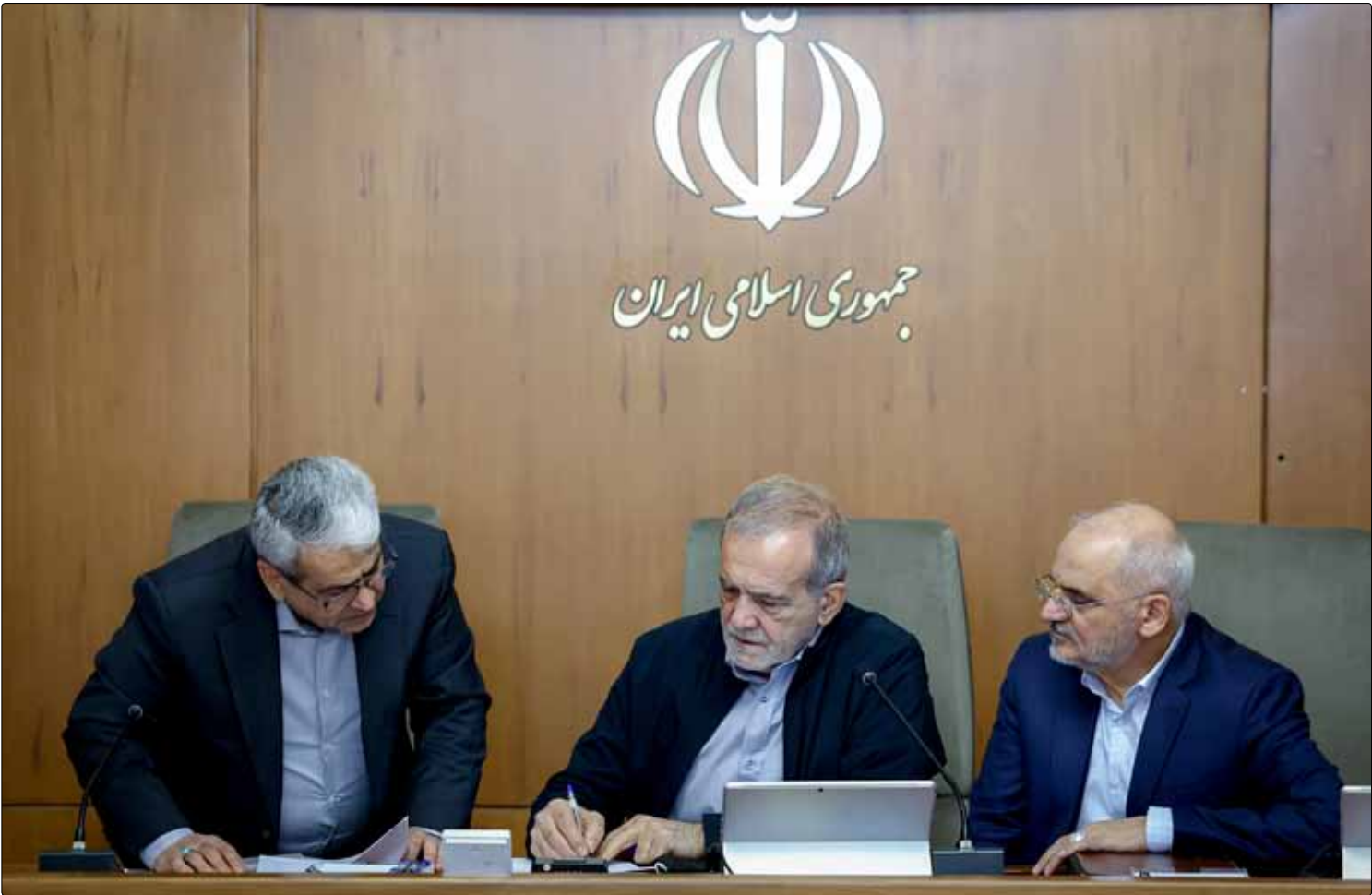
از این منظر، تفاوت اینس قرائت با دولت‌گرایی کلاسیک آشکار می‌شود. ویر قدرت دولت را با انحصار ابزار مشروع اجبار توضیح می‌داد، گرامشی نشان می‌داد نظم پایدار بدون رضایت و سازمان اجتماعی ممکن نیست و آرنت قدرت را در توانایی انسان‌ها برای عمل مشترک می‌دید. «مردم‌پایگی قدرت» را می‌توان در محل تاقی همین پرسش‌ها فهمید اما با صورت‌بندی خاص جمهوری اسلامی این معنا را می‌یابد که قدرت زمانی پایدار است که اقتدار نهادی، رضایت اجتماعی، هویت مشترک و قابلیت بسیج در یک منظومه قرار گیرند.

بر این اساس، مردم در پیام‌های حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، نه توده‌ای برای بسیج سیاسی و نه دریافت‌کننده خدمات دولت هستند. از این نظر گاه مردم هم‌زمان صاحب حق، حامل ظرفیت، شریک پیشرفت و ذخیره راهبردی قدرتند. بنابراین شاید بتوان گزاره مرکزی این خوانش را چنین صورت‌بندی کرد: ایران قوی پیش از آنکه صرفاً محصول دولت قوی باشد، محصول رابطه‌ای قوی میان دولت و جامعه است. دولت اگر از جامعه جدا شود، حتی با برخورداری از ابزارهای سخت، بخشی از قدرت خود را از دست می‌دهد و جامعه اگر نتواند در قالب اراده مشترک سازمان یابد، ظرفیت‌هایش به قدرت ملی تبدیل نمی‌شود و هنگامه جنگ زمانی است که بیش از همیشه ایران نیازمند قدرت ملی است.

مردم‌پایگی قدرت نام همین نسبت است؛ قدرتی که نه در برابر مردم و نه مستقل از مردم، بلکه از درون پیوند حکومت و جامعه ساخته می‌شود. در چنین الگویی، مساله اصلی سیاست فقط این نیست که چه کسی قدرت را در اختیار دارد؟ پرسش بنیادی‌تر آن است که چه سازوکاری می‌تواند مردم را از موضوع حکمرانی به فاعل قدرت تبدیل کند؟ شاید این پرسش، مهم‌ترین مدخل برای فهم خوانش حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را جامعه ایران و جایگاه آن در معماری قدرت باشد.

#### گزارش «وطن امروز» از جایگزینی سکان‌دار وزارت نفت به عنوان اولین تغییر پزشکیان در کابینه و پیام‌های آن

# ترمیم مسعود



**گروه سیاسی:** شامگاه یکشنبه خبر پذیرش استعفای محسن پاک‌نژاد از وزارت نفت، پس از ماه‌ها گمانه‌زنی، از حساب کاربری معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور اعلام‌شد. ساعتی بعد، حکم مسعود پزشکیان برای انتصاب حمید بوره، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران به عنوان سرپرست وزارت نفت منتشر شد. به این ترتیب، وزارتخانه‌ای که در ۲ سال گذشته در مرکز فشارهای تحریمی، چالش‌های فروش نفت،ناترازی انرژی،مناقشات مدیریتی و انتقادهای مربوط به شبکه‌های واسطه‌ای فروش نفت قرار داشت، وارد مرحله‌ای تازه شد. دولت می‌گوید پاک‌نژاد پیش‌تر نیز به دلیل «مشکلات شخصی» درخواست کناره‌گیری کرده بود اما رئیس‌جمهور با آن موافقت نکرده بود. بنا بر روایت دفتر رئیس‌جمهور، اصرار دوباره وزیر نفت، سرانجام پزشکیان را به پذیرش استعفا رساند.

استعفای وزیر نفت فقط یک جابه‌جایی اداری نیست؛ نفت در اقتصاد ایران مهم‌ترین منبع درآمد ارزی، یکی از اصلی‌ترین ابزارهای سیاست خارجی و در عین حال، یکی از پرمناقشه‌ترین حوزه‌های حکمرانی است. تغییر در رأس این وزارتخانه، آن هم پس از هفته‌ها انتشار گزارش‌ها و تحلیل‌هایی درباره عملکرد مدیران نفتی، بیش از آنکه صرفاً پایان کار یک وزیر باشد، آرمونی برای توان دولت در تصمیم‌گیری و اصلاح ساختار اجرایی است.

■ **وعده‌ای که با تأخیر عملی شد**

«وطن امروز» طی یک سال گذشته در گزارش‌های متعدد، بر ضرورت ترمیم کابینه تأکید کرده بود؛ ترمیمی که می‌توانست از ۲ مسیر به دولت کمک کند: نخست، افزایش کارآمدی دستگاه

اجرایی و دوم، ارسال این پیام به جامعه که دولت نسبت به مشکلات و انتقادهای انباشته بی‌تفاوت نیست. اکنون، با خروج پاک‌نژاد از وزارت نفت، قفل ترمیم کابینه هر چند با تأخیر شکسته شد. این تغییر از آن جهت اهمیت دارد که دولت پزشکیان، برخلاف دولت‌هایی که در میانه راه دست به بازآرایی مدیریتی می‌زنند، بیش از ۲ سال از تغییر وزیران پرهمز کرد و ترجیح داد مسائل موجود را با همان ترکیب اولیه کابینه مدیریت کند.

البته از نظر تقویمی، این جابه‌جایی را نمی‌توان نخستین تغییر در کل ترکیب کابینه دانست؛ وزارت امور اقتصادی و دارایی پیش‌تر توسط مجلس با تغییر وزیر مواجه شده بود. با این حال، تغییر در وزارت نفت را می‌توان نخستین جابه‌جایی بزرگ و معنادر در یکی از مهم‌ترین وزارتخانه‌های اقتصادی دولت توسط رئیس‌جمهور دانست؛ تغییری که پس از بیش از ۲ سال از آغاز به کار دولت چهاردهم، معنای پررنگ‌تری پیدا کرده است.

■ **چرا وزارت نفت؟**

وزارت نفت در ماههای اخیر با مجموعه‌ای از انتقادها روبه‌رو بود؛ از اختلافات مدیریتی در شرکت‌های بزرگ نفتی گرفته تا پرسش‌هایی درباره نحوه فروش، وصول درآمد‌ها و عملکرد واسطه‌ها. گزارش‌هایی درباره «تراستی‌ها» و شبکه‌های فروش نفت، فضای رسانه‌ای کشور را تحت تأثیر قرار داده است.

در روزهای پیش از استعفا،نیز برخی گزارش‌ها از اختلافات میان وزارت نفت و هلدینگ خلیج فارس خبر می‌داد. موضوع تغییرات مدیریتی در این هلدینگ، به یکی از مناقشات علنی میان مدیران

صنعت نفت تبدیل شد و حتی خبر انتخاب مدیرعامل جدید، با واکنش و تکذیب روابط عمومی هلدینگ همراه شد. در کنار این مسائل، فشارهای خارجی نیز بر وزارت نفت افزایش یافته است. پاک‌نژاد اسفند ۱۴۰۳ از سوی وزارت خزانهداری آمریکا تحریم شد.همچنین در روزهای منتهی به استعفای او، گزارش‌هایی درباره توقف بارگیری نفت خام ایران منتشر شد؛ موضوعی که اهمیت اداره وزارت نفت در شرایط تحریم و فشارهای جنگ را دوچندان می‌کند.

از این منظر، دولت با انتخاب وزارت نفت برای آغاز مسیر ترمیم کابینه، سراغ وزارتخانه‌ای رفت که هم بیشترین ظرفیت اثرگذاری بر اقتصاد را دارد و هم بیشترین حساسیت امنیتی و سیاسی را.

■ **بوره مدیر میدان در ساختمان وزارت نفت**

حمید بوره، سرپرست جدید وزارت نفت، چه‌رایی خارج از ساختار صنعت نفت نیست. او از شهریور ۱۴۰۳ معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران بوده و بیش از آن، مدیریت شرکت نفت و گاز مارون، شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب، شرکت نفت و گاز مازندران و شرکت نفت فلات قاره ایران را بر عهده داشته است.

بخش قابل توجهی از کارنامه بوره در حوزه‌های عملیاتی و تولیدی صنعت نفت شکل گرفته؛ از مناطق نفت‌خیز جنوب تا حفاری، اکتشاف و نفت فلات قاره. همین سوابقه، انتخاب او را برای یک دوره انتقالی قابل فهم می‌کند؛ دولت در شرایطی که با فشار برای حفظ تولید، تأمین ارز، مدیریت فروش نفت و عبور از محدودیت‌های خارجی مواجه است، فردی را در رأس

رئیس ستادکل نیروهای مسلح به آمریکا و کشورهای منطقه هشدار داد آتش هر جنگ جدیدی علیه ایران دامن همه را می‌گیرد

## امنیت؛ همه یا هیچ‌کس

رژیم خبیث صهیونی نه اکنون و نه هیچ زمان دیگری توان رویارویی با ایران قدرتمند را نداشته و نخواهد داشت و اگر به هر لیبلی مجددا دچار خطای محاسباتی شود و آغازگر جنگی دیگر باشد، صاعقه‌های خشم الهی مردم و رزمندگان غیور ایران، امل و آرزوهای آنها را بر باد خواهد داد.»

شاید صریح‌ترین بخش پیام رئیس ستادکل نیروهای مسلح متوجه واشنگتن باشد. وی مستقیما رئیس‌جمهور آمریکا را مخاطب قرار داده و با اشاره به انتخابات میان‌دوره‌ای کنتره، تصریح کرده جمهوری اسلامی منتظر نتیجه این انتخابات نخواهد ماند.

در فضای سیاسی آمریکا، انتخابات میسان‌دوره‌ای و تأثیر احتمالی آن بر تصمیمات ترامپ درباره ایران به یکی از متغیرهای مهم محاسبات تبدیل شده است.

در همین بستر سرلشکر عبدللی تأکید کرد اگر آمریکا مستقیما یا با تحریک رژیم صهیونی علیه ایران اقدام کند، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی بلافاصله پاسخ خواهد داد: «آمریکا چه قبل و چه بعد از انتخابات و با هر نتیجه‌ای، اگر خود یا به تحریک رژیم کودک‌کش صهیونی علیه ایران اسلامی اقدام کند، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بلافاصله، با شدت و قدرت و به صورت دردآور منافع آمریکا را بدون محدودیت، هدف قرار خواهد داد؛ همان‌گونه که در جنگ رمضان مشاهده کردید.» مهم‌ترین و شاید راهبردی‌ترین مخاطبان پیام سرلشکر عبدللهی اما کشورهای منطقه هستند. رئیس ستادکل نیروهای مسلح به صراحت کشورهای میزبان تروریست‌های آمریکایی را مخاطب قرار داد و حضور نظامی واشنگتن را عامل اصلی ناامنی و مشکلات اقتصادی منطقه دانسته و سپس هشدار اصلی خود را مطرح کرد: «کشورهای میزبان آمریکا در منطقه بداندند عامل اصلی ناامنی در منطقه و بروز مشکلات اقتصادی، حضور ارتش

گزینه‌های بیشتر برای مذاکره با تهران است؟

در چنین شرایطی، رئیس ستادکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، سرلشکر عبدللی تأکید کرد: «اگر جنگ با آمریکا آغاز شود، آتش آن دامن همه را فرا خواهد گرفت.»

هشدار س‌ردار سرلشکر علی عبدللهی در شرایطی مطرح شده که طی روزهای اخیر، همزمان با افزایش تحرکات نظامی آمریکا و تشدید ادعاهای واشنگتن و تل‌اوئو درباره برنامه هسته‌ای ایران، بار دیگر گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال از سرگیری جنگ تجاوزکارانه علیه جمهوری اسلامی ایران در فضای رسانه‌ای غربی – عب‌ری مطرح شده است. در همین چارچوب، گزارش‌های منتشرشده از برنامه پنتاگون برای افزایش حضور دریایی آمریکا در منطقه و اعزام ناو هواپیمابر «یواس‌اس تئودور روزولت» به غرب آسیا، بر گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال آماده‌سازی نظامی واشنگتن برای مرحله‌ای تازه از جنگ علیه ایران افزوده است. واشنگتن پست گزارش داد پنتاگون در حال برنامه‌ریزی برای ایجاد امکان حضور ۳ ناو هواپیمابر در منطقه است؛ آ‌راییشی که در صورت تحقق می‌تواند نزدیک به ۲۰ هزار نیرو، ۱۵۰ فروند جنگنده و شماری ناوشکن را در قالب گروه‌های رزمی ناوهای هواپیمابر در اختیار ارتش تروریست آمریکا قرار دهد.

در همین حال، گزارش‌های جدیدتر نشان می‌دهد تئودور روزولت از سن‌دیگوو آمریکا حرکت کرده و در راه منطقه فرماندهی سنگتاکم است، در حالی که «جرج واشنگتن» همچنان در منطقه حضور دارد و «جرج دبلیو بوش» نیز پس از یک دوره طولانی استقرار، در حال خروج از منطقه و حرکت به سمت شرق است. بنابراین آنچه در دستور کار پنتاگون قرار دارد، صرفاً یک جابه‌جایی معمول دریایی نیست، بلکه ایجاد ظرفیت برای افزایش موقت یا هم‌زمان حضور ناوهای هواپیمابر پیرامون ایران است. اهمیت این تحرکات زمانی بیشتر می‌شود که در کنار آن، توجه داشته باشیم رئیس‌جمهور تروریست آمریکا نیز در روزهای اخیر از احتمال از سرگیری حملات علیه ایران پس از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا سخن گفته است. به این ترتیب، کنار هم قرار گرفتن اظهارات ترامپ و تحرکات نظامی پنتاگون و ادعاهای تازه درباره برنامه هسته‌ای ایران، این پرسش را جدی‌تر کرده: آیا آمریکا در حال آماده‌سازی خود برای دور تازه‌ای از جنگ تجاوزکارانه است یا صرفاً در صدد افزایش اهرم فشار و ایجاد

#### گزارش «وطن امروز» از جایگزینی سکان‌دار وزارت نفت به عنوان اولین تغییر پزشکیان در کابینه و پیام‌های آن

# ترمیم مسعود

وزارتخانه گذاشته که تجربه‌اش بیشتر از جنس عملیات و مدیریت شرکت‌های نفتی است تا سیاست‌گذاری عمومی. با این حال، انتصاب بوره به سرپرستی وزارت نفت به معنای حل خودکار مشکلات این وزارتخانه نیست. او اکنون باید هم‌زمان چند پرونده سنگین را مدیریت کند: ساماندهی زنجیره فروش و وصول درآمدهای نفتی، تعیین تکلیف اختلافات مدیریتی، حفظ تولید در شرایط تحریم، تأمین سوخت و گاز و پاسخگویی روشن‌تر درباره عملکرد شرکت‌های تابعه.

■ **پیام دولت به مجلس و جامعه**

پذیرش استعفای پاک‌نژاد، در فضای رسانه‌ای کشور با بازخوردی عمدتاً مثبت همراه شد. دلیل این استقبال آن بود که تغییر وزیر نفت، پس از ماه‌ها انکار و تکذیب شایعات استعفا، نشانه‌ای از پذیرش ضرورت اصلاح درون دولت تلقی شد. وزارت نفت حدود یک ماه پیش خبر استعفای وزیر را رد و اعلام کرده بود پاک‌نژاد با قدرت در حال پیگیری افزایش تولید، فروش نفت و خنثی‌سازی تحریم‌هاست.

اکنون دولت می‌تواند این تغییر را به عنوان نشانه‌ای از انعطاف و اصلاح‌پذیری معرفی کند اما افکار عمومی احتمالاً به خود تغییر بسنده نخواهد کرد. پرسش اصلی این است که آیا تغییر وزیر نفت به بهبود قابل مشاهده در عملکرد وزارتخانه منجر می‌شود یا صرفاً یک جابه‌جایی برای کنترل فشارهای سیاسی و رسانه‌ای خواهد بود؟

مجلس نیز از این پس نقش مهمی خواهد داشت. پاک‌نژاد مراد ۱۴۰۳ با ۲۲۲ رأی موافق نمایندگان به وزارت نفت رسید؛ با این حال، بیش از رأی اعتماد، گزارش‌هایی از مخالفت اولیه کمیسیون انرژی با صلاحیت او منتشر شده بود.

تغییر وزیر نفت می‌تواند بخشی از فشار مجلس بر دولت را کاهش دهد اما اگر دولت بخواند همه تغییرات را به استیضاح واگذارد کند، عملاً ابتکار عمل اصلاح کابینه را از دست خواهد داد. دولت میان ۲ مسیر قرار گرفته است: یا خود، بر اساس ارزیابی عملکرد وزیران، دست به اصلاح بزند؛ یا منتظر بماند تا مجلس با ابزار سؤال و استیضاح، دولت را به تغییر وادار کند.

■ **قفل شکست؛ دره‌ها باز می‌ماند؟**

مهم‌ترین پرسش پس از تغییر در وزارت نفت این است: آیا این تصمیم آغاز یک روند است یا پایان یک بحران؟

اگر دولت بخواند از این تغییر بیشترین بهره اجرایی را ببرد، باید انتصاب بوره را به بخشی از یک برنامه روشن برای افزایش کارآمدی تبدیل کند؛ برنامه‌ای که در آن، معیار ارزیابی وزیران و مدیران ارشد مشخص باشد و تغییرات نه بر اساس فشار مقطعی رسانه‌ای، بلکه بر پایه عملکرد، شفافیت و توان حل مساله انجام شود. در غیر این صورت، تغییر وزیر نفت ممکن است تنها به یک جابه‌جایی محدود شود؛ جابه‌جایی‌ای که چند هفته‌ای فضای سیاسی را آرام می‌کند اما مسائل اصلی وزارتخانه همچنان باقی می‌ماند.

دولت پزشکیان اکنون با یک انتخاب سیاسی روبه‌رو است: ادامه وضع موجود با چند ترمیم محدود یا پذیرش این واقعیت که بخشی از مشکلات دولت، نه فقط حاصل فشار خارجی و شرایط جنگ، بلکه نتیجه ضعف مدیریت، ناهماهنگی مدیریتی و تأخیر در اصلاحات داخلی است.

استعفای وزیر نفت اگرچه پذیرفته شد اما دست‌کم نشان داد تغییر در کابینه دیگر ناممکن نیست. از اینجا به بعد، توب در زمین دولت است: آیا برای افزایش کارآمدی، کاهش انتقادهای مجلس و بازسازی اعتماد عمومی، تغییرات دیگری را نیز آغاز خواهد کرد یا آنکه ادامه مسیر را به صحن مجلس و ابزار استیضاح خواهد سپرد؟ پاسخ به این پرسش، آینده سیاسی دولت را بیش از سرنوشت یک وزارتخانه تعیین خواهد کرد.

تروریست آمریکادر منطقه است و تااین حضور ادامه داشته باشد، ناامنی نیز وجود دیگری داشت. آگاه باشیدا اگر جنگ جدیدی علیه ایران آغاز شود، آتش آن دامن همه را فرا خواهد گرفت.»

پیام تهران مشخص است: در صورت آغاز دوباره جنگ، جغرافیای درگیری الزاماً به مرزهای ایران محدود نخواهد ماند و کشورهایی که زیرساخت‌های نظامی آمریکا در آنها مستقر است، نمی‌توانند خود را از پیامدهای جنگ کنار بکشند؛ برخلاف جنگ

آخر که جمهوری اسلامی به رغم مشارکت آشکار کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس، با خویشتن‌داری، صرفاً به هدف قرار دادن پایگاه‌ها و منافع ایالات متحده در منطقه اکتفا کرد.

رئیس ستادکل نیروهای مسلح در بخش دیگری از پیام خود، به افاطی‌های مقامات رژیم متجاوز صهیونیستی علیه ایران و سفر اخیر نخست‌وزیر رژیم به امارات واکنش نشان داد و تصریح کرد: «حضور رئیس باند تبهکار صهیونی در منطقه و اعلام این مطلب که برنامه هسته‌ای ایران وارد فاز د نظامی شدن، اولاً از روی توهم است و ثانیاً برای ترساندن و تهدید جلوه دادن، ایرن، هشیار باشد!ادعای وارد فز پیشرفت شدن برنامه هسته‌ای ایران که همگان صلح‌آمیز بودن آن را تایید می‌کنند از سوی جنایتکاری که چندصد کلاهک هسته‌ای در اختیار دارد، نه‌تنها قابل قبول نیست، بلکه به تمسخر گرفتن قوانین بین‌المللی است که هیچ‌گونه پابندیی به آنها نداشته و ندارد.»

مخاطب دیگر پیام رئیس ستادکل نیروهای مسلح، سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بود: «به سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه آژانس انرژی اتمی هشدار می‌دهیم، از ادامه ایفای نقش گرگ در لباس میش خودداری و از ادامه اظهار نظرها یی‌باساس در مورد مراکز هسته‌ای ایران پرهیز کنند.»

■ **هشدار فرمانده کل ارتش**

هم‌زمان امیر سرلشکر امیر حاتمی، فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران در جریان بازدید از یگان‌های ارتش مستقر در استان فارس، با تأکید بر اینکه جنگ هنوز پایان نیافته، اظهار کرد: دشمن پس از ناکامی در میدان نظامی، به روش‌های دیگری رو آورده و با تحریم و فشار اقتصادی در تلاش است مردم را تحت فشار قرار دهد و در کنار آن، اقدامات گسترده‌ای را برای ایجاد ناامنی و آشوب دنبال می‌کند. نیروهای مسلح با حفظ آمادگی و هوشیاری، در صورت اشتباه مجدد دشمن، به تهدیدات او پاسخ کوبنده خواهد داد.